

نقش  
ساتراپی‌های تابعه  
در  
شاهنشاهی هخامنشی



نظم

منیر ملکزاده

«استادیار دانشکده ادبیات»

هوام  
۲۲۵۱۲

از طرف اداره اسلامی ایرادلو در دستا دستا مرکز آری بیگانه  
میر فضیله ایما بود وقت گردید تاریخ ۲۵ ربیع الاول ۱۴۱۱ قمری

برابر ۱۳ ارا ۱۳۹۵ شمسی ۲ الاحمد محمد العزیز عظمی

آیت ایتیه حائری  
موسس و مدیر مرکز علوم اسلامی  
کتابخانه مدرسه فیضیه قم

۲۱۱۴  
۹۳

# نقش ساقراطی های تابعه در شاهنشاهی هخامنشی



نقش

نسخ مکتوبه

(استادیار دانشکده ادبیات)

یکی از ادوار پرافتخار و شکوه تاریخ ایران دوران هخامنشی است (۳۳۰-۵۵۹ پیش از میلاد). هخامنشیان موفق گردیدند با کردار و رفتار درست خود صفحات زرین فراوان بتاریخ این آب و خاک بیافزایند. افتخارات دوره هخامنشی تنها مربوط به ایران نبوده بلکه متعلق به کلیه اقوام باستانی و تاریخ جهان است. بدین سبب شایسته است کارهای انجام شده آن دوران مورد بررسی و مطالعه عمیقتری قرار گیرد تا متخصصان هر دوره و رشته‌ای بتوانند از دید و زاویه معینی نتیجه پژوهشهای خود را در اختیار همگان قرار دهند.

هخامنشیان در نحوه اداره کشور روش نوینی را بنیاد نهادند و با اجرای آن کشور ایران و تمام سرزمینهای تابع خود را بنحوصحیحی اداره نمودند. ذکر این نکته نیز لازم است که با توجه به موقعیت زمان، روش آنها در اداره استانهای تابعه هیچگاه اعمال سیاست زور و روشهای غیر انسانی نبوده است. چه بطور کلی هخامنشیان به مردم استانهای تابعه در مورد زبان، فرهنگ و مذهب چیزی را تحمیل نکردند. هر یک از شهرستانها با اعلام و قبول تابعیت و دادن مالیات سالیانه به حکومت مرکزی ایران، ضمن اینکه از کلیه حقوق و مزایای اجتماعی و داخلی بهره‌مند میشدند در زیر حمایت نظامی و اجتماعی هخامنشیان قرار میگرفتند. در واقع ساتراپی‌ها با دادن مالیات سالیانه موقعیت اجتماعی و سیاسی خود را حفظ کرده و در دنیای پر آشوب و متلاطم آن دوران بدون ترس و وا همه از یورش و حمله‌های همیشگی همسایگان و بیگانگان با خاطری آسوده و راحت بکار و زندگی میپرداختند.

ممکن است عده‌ای روش هخامنشیان را در نحوه اداره کشورهای تابع خود با رفتار حکومت هیتی و آشور و اقوام باستانی بین‌النهرین مقایسه کنند و حتی سابقه چنین وضعیتی را در آنها جستجو نمایند. در این مورد باید گفت که برخی از فرمانروائیهای پیش از هخامنشیان از جمله هیتی‌ها و آشوریان پس از فتوحات خود، جهت اداره کشور تقسیماتی را قابل شدند تا بر مبنای آن بتوانند بهتر و بیشتر بر اراضی اشغالی حاکم باشند ولی در عمل هیچیک از آنان موفق نشدند زیرا سیاست و روش کار آنها بر اساس حفظ و رعایت آزادیهای اجتماعی، سیاسی و مذهبی اقوام تابعه استوار نبود. در حالیکه هخامنشیان (باستناد مدارک مصری) حقوق خانواده‌ها، کاهنان، معابد و مؤسسات را در مصر محترم داشته و تغییری در آنها ندادند. تقسیمات قضایی و لشکری هم باحوال سابق باقی مانده بود و نیز دیده میشود که

قباله ها و اسناد معاملات را بزبان مصری و خط دموتیک که یکی از خطوط مصری است می نوشتند .<sup>۱</sup>

با مراجعه و مطالعه تاریخ اقوام باستانی میتوان گفت تا کنون هیچ نیروئی تا این اندازه نتوانسته است بر مناطق بیشماری حاکم باشد استادهای یا ساتراپی های هخامنشی بر ما روشن است .

زیرا در کتیبه ها و نوشته های دوران هخامنشی این استادهای معلوم و مشخص شده است همچنین برخی از مورخان آن زمان مانند هرودوت ساتراپی های هخامنشیان را با مقدار مالیات سالیانه آنها مشخص کرده اند .<sup>۲</sup> داریوش شاهنشاهی ایران را با قسمتهای بزرگ تقسیم کرد و هر کدام را به يك مأمور که از مرکز تعیین میشد سپرد . این مأمور را خش ثریاوا می نامیدند<sup>۳</sup> ( بمعنی شهربان یا نگهبان مملکت<sup>۴</sup> ) در کرسی هراستان ساخلوی برای حفظ امنیت آن استان وجود داشت و فرمانده قشون محلی ( کارانس )<sup>۵</sup> بر آن نظارت داشت ، با هروالی مأموری از مرکز روانه میشد که در ظاهر منشی محسوب میشد ولی در اصل اعمال والی را زیر نظر داشت و مراتب را به مرکز گزارش میداد . در بعضی جاها اداره امور به پادشاهان و امراء محلی یا کاهنان مهم و یا بخود شهرهای آزاد محول می گردید و گاهی در

۱ - تورایف ، تاریخ مشرق قدیم ، جلد دوم صفحات ۱۹۶-۲۱۶ ؛ حسن پیرنیا ، ایران باستان . جلد دوم تهران ۱۳۳۲ صفحه ۱۴۸۷ .

۲ - هرودت . کتاب ۳ ، بند ۸۹-۹۸ و ایران باستان صفحه ۱۴۷۰ .

۳ - کتیبه بیستون ، ستون ۳ ، بند ۱۰ . در معاوده شترپان تلفظ میکرده اند . یونانیها این کلمه را ساتراپ ضبط کرده اند .

۴ - در ایران باستان شهر بمعنی مملکت استعمال میشده است .

۵ - بعقیده پیرنیا شیپور رابهمین مناسبت کارنای نامیده افند ، که اکنون کرنا شده و کارزار هم از همین کلمه آمده است . کتاب ایران باستان جلد دوم صفحه ۱۴۶۷ زیر- نویسنده شماره ۴ .

ازای خدمتی یا بنا بملاحظات سیاسی ریاست شهر یا منطقه‌ای را مادام‌العمر بشخصی محول میکردند. در اینگونه موارد کمان محلی در انجام کارها اختیار نام داشته و مستقل بودند ولی در موارد کلی کارها زیر نظر والی اداره میشد یعنی برای حفظ وحدت شاهنشاهی دستورهای والی را درباره امنیت عمومی و مالیات‌ها و رفع مناقشه بین دو محل و سایر مسایل و مطالبی که مربوط به سیاست عمومی کشور بود باید اجرا کنند. جاهائیکه در ایران هخامنشی چنین وضعی داشت عبارت بود از: کیلیکیه، کاریه، بی‌تینیسه، پافلاگونیه (در آسیای صغیر) مستعمرات یونانی در آسیا و آفریقا. مقدونیه و شهرهای فینیقیه مانند صور و صیدا و جزیره قبرس (دارای پادشاه محلی). ایالات هند - سغد - کادوسی‌ها (دارای دو پادشاه محلی در سلطنت اردشیر دوم).<sup>۶</sup>

درباره استانه‌های هخامنشی از کتیبه‌های داریوش کبیر در تخت جمشید - نقش رستم - شوش و کتیبه‌های خشیارشا در تخت جمشید و شوش و غیره اطلاعات گرانمایی بدست می‌آید، برای نمونه بخشی از مطالب کتیبه خشیارشا در تخت جمشید ذکر میشود:<sup>۷</sup>

بند ۱ - خدائی بزرگ (است). اهورمزدا، که این زمین را آفرید، که آن آسمان را آفرید، که مردم را آفرید، که برای مردم شادی آفرید، که خشیارشا را شاه کرد، یگانه شاه (شاهان) بسیار، یگانه فرمانروای (فرمانروایان) بسیار.

بند ۲ - من خشیارشا (هستم) شاه بزرگ، شاه شاهان، شاه کشور - های دارای ملل بسیار، شاه در این زمین بزرگ دور و دراز، پسر داریوش شاه، هخامنشی، پارسی، پسر پارسی، آریائی، از نژاد آریائی.

۶ - همان اثر صفحات ۸-۱۴۶۷.

۷ - رلف نارمن شارپ، فرمانهای شاهنشاهان هخامنشی. شیراز ۱۳۴۶.

بند ۳ - خشیارشاه گوید : بخواست اهورمزدا این (است) کشورهائی جدا از پارس که من شاه آنها بودم . من بر آنها حکمرانی کردم . بمن باج دادند . آنچه از طرف من بآنها گفته شد آنرا کردند قانون من ( آن است ) که آنها را نگاهداشت . ماد - خوزستان - رخج - ( بلوچستان امروزه ) - ارمنستان - زرنگ ( سیستان ) - پرثو ( خراسان ) - هرات - بلخ - سغد - خوارزم - بابل - آشور - ثت گوش ( دره رود هیرمند ) - سارد - مصر - یونانیها که کنار دریا ساکنند ، و آنائیکه آنسوی دریا ساکنند - مک ( مکران امروزه و عمان ) - عربستان - گندار ( دره کابل ) - هند - کپدو کیه ( شمال شرقی آسیای صغیر ) - دها ( ایللی طرف شرقی بحر خزر ) - سک های هوم خوار - سک های تیز خود - سکودرا ( اهالی مقدونیه ) - آکوفچی یا ( طایفه ناحیه کوهستانی ) لیبیها - کاریها - ( جنوب غربی آسیای صغیر ) - حبشها .

از آنجا که ساتراپی های هخامنشی شامل مناطق بیشماری است در این مختصر به بررسی ساتراپی های هخامنشی در آسیای صغیر خواهیم پرداخت . داریوش در کتیبه معروفش که در کاوشهای شوش بدست آمده است ضمن اقوامی که در ساختن کاخ شاهنشاهی او در شوش همکاری داشته اند از اقوام کاری و ایونی و ساردیها نام میبرد این سه قوم مربوط به آسیای صغیر است و شهر آفرودی سیاست نیز که در کتیبه نامبرده ذکر شده است بنا بقیده برخی از دانشمندان در کاریه ( آسیای صغیر ) واقع است [ حسن پیرنیا - پلین - و آپ بیان ( Appien ) این محل را در کاریه دانسته اند ، سترابون در فریگیه و بطالیموس در لیدیه . صفحه ۱۶۰۸ کتاب ایران باستان جلد دوم ] . باستاند کتیبه مزبور اینان در آوردن طلا از سارد و حمل چوب و ساختن زیور آلات ، حجاری و سنگ تراشی و نجاری در نوسازی پایتخت هخامنشیان ( شوش پایتخت پیشین ایلامیان ) نقش عمده ای داشته اند . در نقوش برجسته کاخ پادانا

در تخت جمشید نیز جزو نمایندگان ملل تابعه مردم سارد، کاپادوکیه و ایونی باهدایای خود دیده میشوند که تأیید مطالب کتیبه فوق است.<sup>۸</sup>

با استفاده از کتیبه‌های هخامنشی و منابع یونانی و سایر مدارک موجود ساتراپی‌های هخامنشی در آسیای صغیر عبارت بوده است از:

۱- ساتراپی اول شامل میسیه و لیدیه که کوه‌های معروف تومولوس (Tomolus) و مزوژی (مزژی Mesogis) در این استان واقع است. رود پاکتل (Pactole) از کوه‌های تملوس جاری و به خلیج ازمیر میریخت و رود کیستر می‌سندر (Caystre Meinder) که ترکان آنرا مناندر کوچک مینامند قسمتی از این استان را مشروب می‌ساخت. مرکز این ساتراپی شهر سارد بود که یکی از مراکز تجاری و مهم آن زمان محسوب میشد. این شهرداری برج و باروی مستحکمی بود. از شهرهای دیگر این استان فیلادلفی (Philadelphie) و هی‌پا (Hypoepa) و ترالس را میتوان نام برد.<sup>۸</sup> الف

۲- ساتراپی دوم کاپادوکیه است. این ایالت بدو قسمت منقسم میشد:

الف- کاپادوکیه بزرگ ب- کاپادوکیه کوچک. رود معروف هالیس در این منطقه به دریای سیاه میریزد. استرابون جغرافیدان مشهور یونانی از اهالی آمازی (Amasie) یکی از شهرهای کاپادوکیه بوده است.<sup>۹</sup>

۳- ساتراپی سوم شامل لیکیه (Lycie)، کاریه (Carie)، پامفلیه (Pamphylie) و سواحل اژه میباشد. شهرهای معروف این ساتراپی میله

۸- اریک اشعیت، تخت جمشید، تهران ۱۳۴۲ صفحه ۸۸-۸۷ لوحه‌های ۳۵، ۴۵، ۴۸.

۸ الف - در مورد شهرهای مذکور نگاه کنید به صفحات ۵-۸-۱۹-۳۰-۴۳-۶۰-۱۳۸ و ۲۰۰ تاریخ هرودت جلد سوم، ضمناً در مورد کشورهای تابعه شاهنشاهی هخامنشی که در کتیبه داریوش آمده است نگاه کنید به: علی سامی، تمدن هخامنشی، جلد اول. شیراز ۱۳۴۱ صفحات ۱۶۰-۱۵۵.

۹- مقاله «ساتراپیهای شاهنشاهی ایران» مجله باستان‌شناسی، جلد سوم و چهارم تهران ۱۳۳۸ صفحات ۹۸-۹۵.



(ملطیه Milet) و میونت (Myunte)، کیوس (Chios)، جزایر ساموس (Samos)، لبدس (Lebedos) و کلفن (Colophon) میباشد.<sup>۱۰</sup>

۴- ساتراپی چهارم سرزمین یونانیان آسیای صغیر که رابطه زیادی از نظر تجاری و فرهنگی با ایرانیان داشته‌اند. بجز نقاط ذکر شده شهرها و مراکز دیگری نیز در آسیای صغیر وجود داشته‌است که تابع هخامنشیان بوده‌اند از آن جمله است: هالی کارناس (هالی کارناسوس Halicarnasse)، کنوس (Caunus)، کنید (Gnide) که محل تولد کتزیاس (Ctesias) مورخ مشهور است و مجسمه ونوس از شاهکارهای مجسمه‌سازانمی پراک زیتل (Praxitelle) دریکی از معابد آن بوده است، جزیره ردس (Rhodes) و داسکیلیوم (Dascylium) که مقر حکومت ساتراپی ایالت میزی بود. بی‌تینی (Bithynie)، لیسیه (Lycie)، پیزیدی (Pisidie) و سیلیسی (Cilicie) که در کتیبه‌داریوش ایسپاردا آمده‌است. (داریوش سوم پادشاه ایران در ایسوس (Issue) ۱۱ که یکی از شهرهای مهم این منطقه‌است از اسکندر شکست خورد) و بسیاری شهرهای دیگر.<sup>۱۲</sup>

عده‌ای تعداد استانهای هخامنشی را در آسیای صغیر ده استان بقرار زیر ذکر کرده‌اند ۱- لیدی Lydie ۲- ایونی Ionie ۳- کاری Carie ۴- میزی Misie ۵- فریزی Phrigie ۶- ۷- کاپادوکیه Capadoce ۸- پافلاگونی Paphlagonie ۹- بی‌تینی Bithynie ۱۰- لیکیه Lycie ۱۳ هر کدام از شهرها و استانهای فوق

۱۰- هرودت کتاب ۳ بند ۹۰. صفحات ۷۷۱-۷۷۵ کتاب ایران باستان جلد اول تألیف حسن پیرنیا. تهران ۱۳۳۱.

۱۱- دیودور کتاب ۱۷ بند ۳۳-۳۴؛ آریان کتاب ۲ فصل ۵ بند ۲.

۱۲- درباره شهرهای آسیای صغیر در دوره هخامنشی نگاه کنید به:

۱۳- مقاله «ساتراپیهای شاهنشاهی ایران» مجله باستانشناسی. شماره سوم و

چهارم. تهران ۱۳۳۸ صفحات ۹۸-۹۵.

دارای معادن و صنعت محلی منحصر بنخود بوده اند که در توسعه و پیشرفت این شهرها مؤثر بوده است که برخی از آنها نیز در کتیبه های شاهان هخامنشی آمده است مثلاً بعلت وجود معادن نقره و مس در کاپادوکیه ابزار و آلت های فلزی کاپادوکیه شهرت بسزائی داشت.

آثار زرین و بویژه مجسمه های فلزی سارد نیز معروف بود و با نقره کاری واسپه های کیلیکیه<sup>۱۴</sup>، ساتراپی های تابعه سالیانه مالیات معینی بایران میپرداختند، این مالیاتها با در نظر گرفتن جمعیت و محصولات و اقتصاد هر منطقه توسط دربار هخامنشی تعیین میگردید. داریوش ممالک تابعه را به ۲۰ قسمت تقسیم کرد و برای هر یک مالیاتی مقرر داشت. ۱۵ مالیات استانهای مختلف آسیای صغیر بنا به گفته هر دوت عبارت است از :

استان اول هشتتدل بر - ایونی ها ( Ioniens ) ماکت های آسیایی

(Magnetes d,Asie) ، اولیان (Eoliens) ، یاهقی لیان

(Pamphyliens) ، کاریان (Cariens) ، لی کیان

(Lyciens) ، می لی بیان (Myliens) جمعاً

۴۰۰ تالان نقره میپرداختند.<sup>۱۵</sup> (سرزمین میلی و لیکیه را جمعاً میلیاد Milyade

مینامیدند: استرابون جلد ۱: بند ۱۷۳ و جلد ۱۳ بند ۲۱۷).

ایالات دوم - لیدی ها (Lydiens) ، لاسونیان (Lasoniens) ، هی کنیان -

(Hygenneens) ، می سیان (Mysiens) ، کابالیان (Cabaliens) جمعاً ۵۰۰ تالان

میپرداختند. ۱۷

۱۴ - دمرگان ، تمدن های اولیه . پاریس ۱۹۰۹ صفحه ۲۹۰ و حسن پیرنیا ،

ایران باستان جلد دوم تهران ۱۳۳۲ صفحه ۳-۱۵۱۱ ، و کتیبه داریوش کبیر در شوش.

۱۵ - هرودت ، کتاب ۳ بند ۸۹-۹۸ . ایران باستان صفحه ۱۴۷۰ و داریوش

یکم پادشاه پارسها ترجمه دکتر داود منشی زاده تهران ۱۳۳۵ صفحه ۹۴ .

۱۶ - هرودت کتاب ۳ بند ۱۹۰ از کتاب تاریخ هرودت . ترجمه دکتر هدیاتی تهران

۱۳۳۹ صفحه ۷-۱۸۶

۱۷ - هرودت کتاب ۳ بند ۹۰ - از تاریخ هرودت . صفحات ۸-۱۸۷ .

ایالات سوم - شامل مردم هلس یونت بطرف بوغاز یعنی اهالی فریگیها (Phrygiens) ، تراکیهای آسیائی (Teraces d, Asie) ، کاپادوکیان (Cappadociens) ، ماریاندینیان (Maryandiniens) ، پافلاگونیها - (Paphlagoniens) و سریانیها جمعاً ۳۶۰ تالان<sup>۱۸</sup>. (قابل ذکر است مردمی که هرودت سریانی ذکر کرده است نمیتوانند سریانیها باشند). مردم کاپا- دوکیه غیر از مالیات نقدی همه ساله ۱۵۰۰ اسب ۲۰۰۰ قاطر و ۵۰۰۰۰ رأس حشم نیز می دادند.<sup>۱۹</sup>

ایالات چهارم - مردم کیلیکیه ۵۰۰ تالان نقره و بتعداد روزهای سال یعنی ۳۶۰ رأس اسب.<sup>۲۰</sup>

مالیات کلیه ساتراپیها ۱۴۵۶۰ تالان اوبیائی در سال است<sup>۲۱</sup> که از این مقدار ۱۷۶۰ تالان نقره آن مربوط بمردم آسیای صغیر بوده است.<sup>۲۲</sup> برابر محاسبه ای که چند سال پیش شده است این مقدار مالیات معادل ۴۴۰۰۰۰ پوند انگلیسی میباشد.<sup>۲۳</sup> (هر تالان اوبی معادل است بسا ۶۰ مینای اوبیائی و = ۲۶۲۶۰ گرم). البته در این محاسبه هرودت در کتاب ۳ بند ۹۵ میگوید «در این حساب من اعداد جزء را از قلم انداخته ام». لذا مالیات سالیانه ساتراپیها بیش از رقم فوق بوده است.

از نظرات تباط و راه میدانیم که یکی از مهمترین راههای باستانی آن زمان

- ۱۸ - هرودت کتاب ۳ بند ۹۰ تاریخ هرودت . صفحه ۹-۱۸۸ .
- ۱۹ - استرابون کتاب ۱۱ فصل ۱۳ بند ۸ .
- ۲۰ - هرودت کتاب ۳ بند ۹۰ . ضمناً برای متصرفات هخامنشیان نگاه کنید به
- اطلس تاریخی ایران . تهران ۱۳۵۰ نقشه شماره ۵ .
- ۲۱ - هرودت کتاب ۳ بند ۹۵ . و
- The Cambridge Ancient History. IV. Cambridge 1960, P.199.
- ۲۲ - همان اثر صفحه ۲۰۰-۱۹۹ .
- ۲۳ - همان اثر صفحه ۲۰۰ - ضمناً الاستد دانشمند آمریکایی برابر ۲۰ میلیون دلار دانسته است . نگاه کنید به کتاب ایران شهر جلد دوم- تهران ۱۳۴۳ صفحه ۱۱۲۲ .

راه یا جاده شاهی بود که بخش مهمی از آن در آسیای صغیر قرار داشته است. این راه از شهر افس در آسیای صغیر شروع و به سارد و بعداً فریگیه میرسید. سپس از رود هالیس (قزل ایرماق) گذشته و به کاپادوکیه میرسید و از کاپادوکیه به کیلیکیه و سپس سوریه و بالاخره پس از گذشت از سایر مناطق به شوش منتهی میشد.<sup>۲۴</sup> وجود این شاهراه مهم باعث شده بود که بین شهرهای ایران و ساتراپی‌های آناطولی یک ارتباط دائم و همیشگی برقرار باشد. <sup>۲۴</sup> الف این ارتباط جنبه دیپلماسی، نظامی، تجاری و فرهنگی داشت بدین سبب عملاً در اثر این رفت و آمدها مردم آسیای صغیر با فرهنگ و هنر ایران بیشتر آشنا شدند.

همچنین مؤسسات، خانه‌ها و استحکامات فراوانی برای ساتراپ، فرماندهان نظامی و مسئولین ایرانی که برای اداره امور ساتراپی‌های آسیای صغیر و انجام سایر امور اعزام میشدند ساخته شد. بیشتر این بناها بدست هنرمندان محلی آسیای صغیر ساخته و آماده گردید ولی طبیعی است که در ساختن این بناها طرح و نظریات حاکم یا سفارش دهنده مورد نظر استادان محلی بوده و همواره سعی میشد که از سبک و روش هنر هخامنشیان و عوامل گوناگون آن استفاده کنند.

لشکر کشی ایرانیان به یونان نیز باعث شد که مردم آسیای صغیر آشنائی بیشتری با هنر و آداب و رسوم و خصوصیات ایرانیان پیدا کنند. زیرا این لشکر کشی‌ها از راه آسیای صغیر انجام گرفت<sup>۲۵</sup> و از آنجا که استانهای آسیای صغیر تابع هخامنشیان بودند با اعزام مردان جنگی و تهیه تدارکات و خواربار و غیره در تقویت نیروی نظامی هخامنشیان مؤثر بوده‌اند. <sup>۲۶</sup> موقعیت سوق الجیشی آسیای صغیر بقدری مهم بود که خشایارشا در زمستان ۴۸۱ پیش از میلاد در

۲۴ - گرتفون فصل ۷ و ایران باستان. جلد دوم صفحه ۱۴۸۹-۱۴۹۳.

۲۴ الف - ایرانشهر. جلد دوم تهران ۱۳۴۳ صفحات ۶-۱۴۵۴.

۲۵ - درباره لشکر کشیها و جنگهای ایران و یونان نگاه کنید به جلد ششم کتاب

تاریخ کمبریج و جلد اول و دوم کتاب ایران باستان.

۲۶ - هرودت کتاب ۷ بند ۱۸۴-۱۸۸

هرگز ساتراپی ساردهاندو به جمع آوری نیر و و خوار بار و تدارکات جنگی ( جهت جنگ با یونان ) پرداخت .

در مورد سبک هنر هخامنشی مشخص است که پس از ساخته شدن پاسارگاد، تخت جمشید و دیگر مراکز مهم هخامنشی ، هنر پارسی ( بویژه معماری آن ) بصورت بهتری نمایان و معرفی گردید و بتدریج این آثار مورد تقلید هنرمندان تابعه قرار گرفت . بدین سبب هنرمندان محلی آسیای صغیر در خلق آثار خود از قواعد و ضوابط هنر تکامل یافته و فرم گرفته هخامنشی استفاده کردند .

در اینجا نمونه هایی از آثار هنرمندان محلی آسیای صغیر که در آنها نفوذ و تأثیر هنر هخامنشی دیده میشود در چند بخش معرفی میگردد .

نقوش برجسته - نقش برجسته در هنر معماری هخامنشی بعنوان يك عنصر تزئینی مورد استفاده قرار گرفته است . این نقوش در مکانهای رسمی و درباری از قبیل بناهای تخت جمشید دارای مشخصاتی است که هنرمندان را مجبور به رعایت بعضی از اصول میکرده است . زیرا کاری که هنرمندان تخت جمشید میکردند جزئی از معماری یا تزئین آنها را شامل میشد . بدین سبب آنان در ساختن و پرداختن آثار خود بویژه در مورد انتخاب تصاویر انسان و حیوان آزاد نبودند بلکه بعکس آنچه را که بآنها میگفتند و آنچه را که از آنها میخواستند می ساختند و بدیهی است اگر جز این بود هدف اصلی طراح یا طراحان تخت جمشید رعایت و منظور نمیشد . ولی در آسیای صغیر همه هنرمندان بدین صورت برای ساختن چنان بناهایی بسیج نشده بودند و استادان در ابداع آثارشان میتوانند تا حدودی ذوق و سلیقه خود را در انتخاب نقوش بکار برند .

با این کیفیت آثار هنرمندان آسیای صغیر تفاوتی با آثار هخامنشی ایران دارد که از هر نظر جالب و قابل مطالعه است و از آن جمله است نقش

برجسته مراسم قربانی<sup>۲۷</sup> (شکل-۱) - زنان سواره<sup>۲۸</sup> (شکل-۲) - مراسم شکار<sup>۲۹</sup> (شکل-۳) - صحنه ضیافت<sup>۳۰</sup> (شکل-۴) و غیره .

نوشته‌هایی بخط فارسی باستان : حدود ۳۰۰ مهر از دهکده ارگیلی (داسکیلیوم) پیدا شده است که در روی آنها نوشته‌هایی بخط فارسی باستان و آرامی موجود است . در کنار این نوشته‌ها نقوشی ساخته شده است مانند صحنه نبرد یک انسان با یک حیوان افسانه‌ای (شیر دارای بال و شاخ) و یا نقش انسان افسانه‌ای (اسفنگس) . حروف فارسی باستان جمله ( من پادشاه خشایارشا هستم ) میباشد .<sup>۳۱</sup>

آثار طلائی - ضمن حفاری از قسمت‌هایی از شهر سارد ( پایتخت لیدیه )

۲۷ - گیرشمن ، هنر ایران در دوران ماد و هخامنشی ترجمه دکتر عیسی بهنام تهران ۱۳۴۷ ، صفحه ۳۴۷ شکل ۴۴۰ و

Macridy, «Reliefs Greco- Perses de la region de Daskyleion» BCH, XXXVII. 1913, P. 340, Fig. 8.

28- E. Akurgal, Die kunst Anatoliens... Berlin 1961

صفحه ۱۶۹ شکل ۱۱۶ و کتاب هنر ایران در دوران ماد و هخامنشی . صفحه ۳۴۸ . شکل ۴۴۱ و مقاله «نقوش زن در هنر هخامنشی» مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی شماره ۲۰۱ سال ۱۶ . تهران ۱۳۴۷ شکل ۱ صفحه ۹۸

۲۹ - گیرشمن ، هنر ایران در دوران ماد و هخامنشی . صفحه ۳۴۸ شکل ۴۴۲ و

هنر ایران در دوران پارت و ساسانی صفحه ۴۸ شکل ۶۱ .

۳۰ - فرخ ملک زاده «نقوش زن در هنر هخامنشی» مجله دانشکده ادبیات و علوم

انسانی دانشگاه تهران شماره ۲۰۱ سال ۱۶ شکل‌های ۱۱۰۶ و صفحات مربوط به آنها؛

N. Dolunay, Istanbul Arkeoloji Müzeleri yilligi, 13-14. Istanbul 1966. P. 19-97.

31 - K. Balkan, Anatolia. IV, Ankara 1959, P. 124-125.

و درباره لوحه‌های زرین پادشاهان هخامنشی نگاه کنیده مقاله آقای محمد تقی مصطفوی در مجله نقش و نگار و سایر نوشته‌های ایشان .

آثاری بدست آمد که آثار پلائی آن بسیار جالب و حائز اهمیت است . این آثار تزئینی از لوحه های طلا باشکال گوناگون ساخته شده است . ۳۲ شباهت این آثار با اشیاء پلائی ایران بقدری زیاد است (شکل-۵) که احتمال می رود از سرزمین اصلی ایران به سارد رفته باشد ۳۳ . بجز آنچه که ذکر شد آثار فراوانی از گوشه و کنار آسیای صغیر (مربوط بدوره هخامنشی) پیدا شده است که در همه آنها بوضوح تاثیر هنر هخامنشی دیده میشود .

میتوان چنین نتیجه گرفت که در دوران هخامنشی با به پای حاکمیت سیاسی و نظامی ایران در آسیای صغیر هنر ایران تاثیر فراوانی در هنر آناطولی کرده است تا حدی که هنرمندان محلی آسیای صغیر سبک و شیوه هنر هخامنشی را پذیرا شده و در خلق آثارشان آنها را رعایت نمودند .

البته قابل ذکر است که در آن زمان از یکسو هنر یونان با ابهت و عظمت خاص خود هنر آسیای صغیر را تحت تاثیر قرار داده بود و از سوی دیگر مردم آسیای صغیر وارث تمدن و هنرهای درخشان مردمان متمدن پیشین خود مانند هیتی ها و اورارتوها و لیدی ها بودند و هنر هخامنشی در چنین شرایطی بدانجا تاثیر نموده و بالاخره مقبول هنرمندان و مردم آسیای صغیر واقع شد .

خلاصه آنکه در دوره هخامنشی هر یک از ساتراپی ها با بضاعت مالی و معنوی خود ، در عظمت و بزرگداشت امپراطوری هخامنشیان مؤثر و مفید بوده اند . ساتراپی ها همانند افراد یک خانواده در بالا بردن بنیه دفاعی ، فرهنگ و تمدن کشور مسئولیت و وظایفی را بعهده داشتند که آنرا بخوبی انجام دادند . نتیجه آن قضاوت محققین و مردم فعلی جهان درباره شاهنشاهی

32- C. Batler, Sardis I. 1922, P. 142.

33- F. Malekzadeh, Anadolu da Pers devrine ait anit ve yazitlara dair tahlili bir inceleme. Istanbul 1967, P. 159.

هخامنشی و نکات مثبت آن است. در این رهگذر ساتراپی های هخامنشی در آسیای صغیر سهم عمده و قابل ملاحظه ای داشته اند که از هر نظر مهم و اساسی بوده است تاجائی که میتوان گفت آنان برای هخامنشیان از دیگر ساتراپی ها مفیدتر بوده اند.

بی شک ریشه های اینگونه وحدت و همکاری های دوستانه را در قرابت هنری و فرهنگی ایران و آسیای صغیر باید جستجو نمود که بدوران پیش از هخامنشیان مربوط میشود.

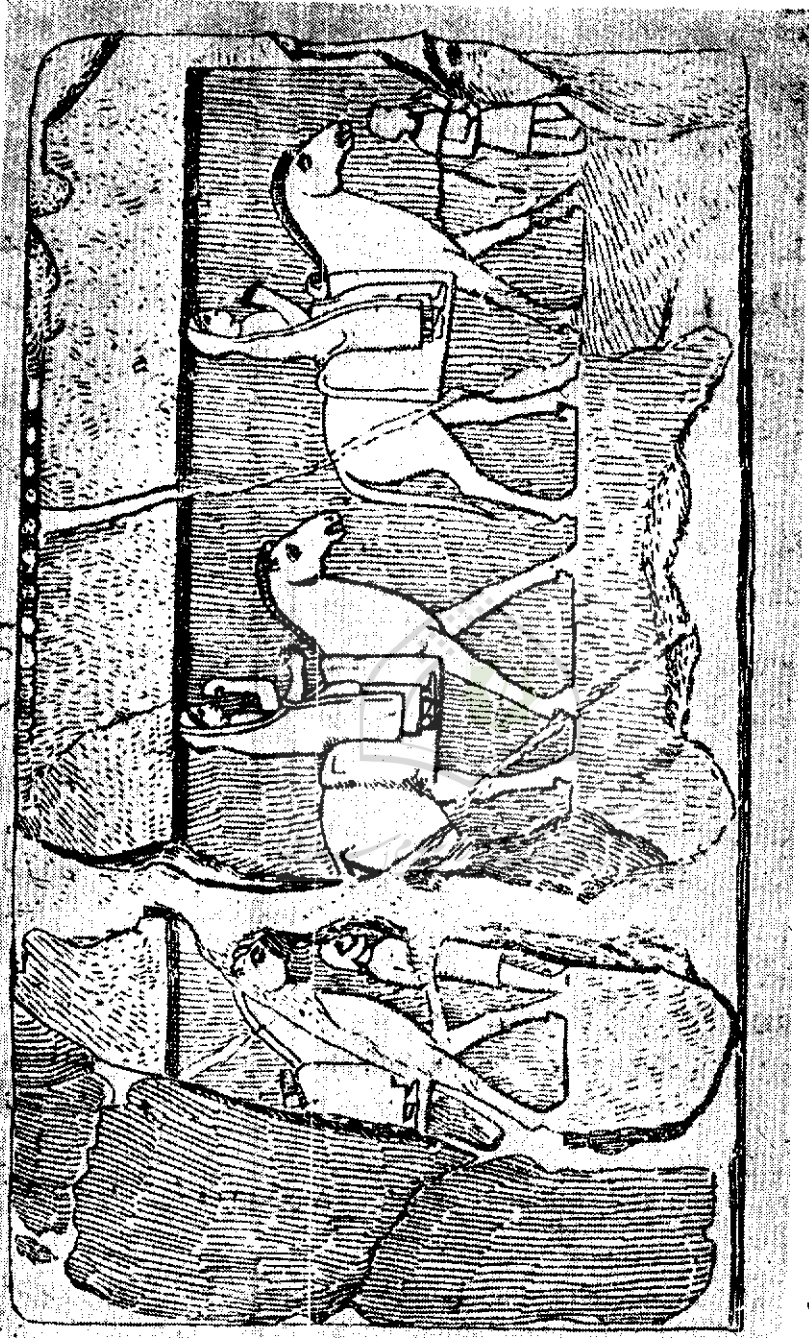


مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی





شکل ۱- مراسم قربانی مکشوف از دهکده ارگیلی (داسکیلیوم).  
عکس از : رمان گیرشمن هنر ایران در دوران ماد و هخامنشی . ترجمه  
دکتر عیسی بهنام تهران ۱۳۴۷ صفحه ۳۴۷ شکل ۴۴۰ .

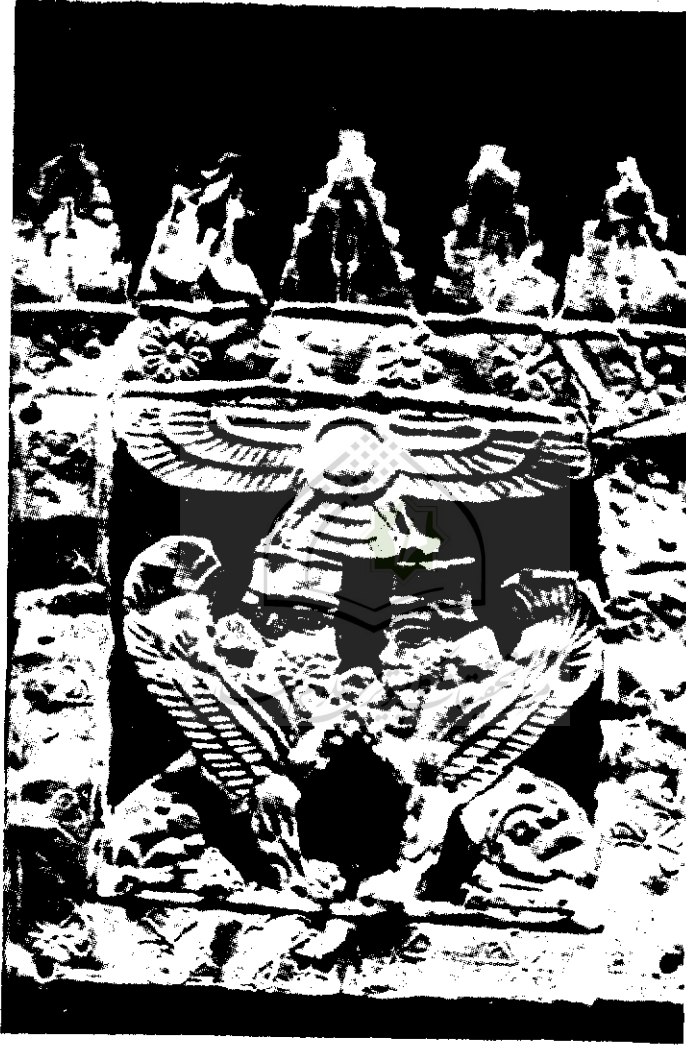


شکل ۳ - نقش برجسته سه زن سوار براسب از داسکیلیو (ارگلی) عکس از : فرخ ملکزاده «نقوش زن در هنر هخامنشی» مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی شماره ۱ و ۳ سال ۱۶ تهران ۱۳۴۷



شکل ۴۳- صحنه شکار و ضیافت مکشوف اژدهکده چاوش گوی  
(آسیای صغیر)

عکس از : رمان گیرشمن هنر ایران در دوران پارت و ساسانی . ترجمه  
دکتر بهرام فره وشی تهران ۱۳۵۱



شکل ۵ - یک لوحه طلائی مکشوف از سارد . عکس از نگارنده

مکتبہ ملی ایران



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی